



بررسی راهکارهای زیباشناسی کلامی در ترجمه زبان ممنوعه رمان «بدایه و نهاییه» نجیب محفوظ

محمدعلی همتی *

دانش‌آموخته مترجمی زبان عربی دانشگاه دامغان ایران
Email: Mohammadhemmati14@gmail.com



فرشته افزلی **

(نویسنده مسئول)

استادیار گروه مترجمی زبان عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ملی دامغان، ایران.
Email: f.afzali@du.ac.ir



چکیده

یکی از راهکارهای مناسب در ترجمه ممنوعیت‌های زبانی متون ادبی از عربی به فارسی، کاربرد شگردهای «زیباشناسی کلامی» است. این راهکار را می‌توان به گونه‌ای دیگر، بومی‌سازی نامید؛ این امر به مفهوم آن است که هنجارها و ارزش‌های موجود در متن زبان مبدأ و عناصر مربوط به آنها را به صورت مناسبی درمی‌آورد. از آنجا که یکی از راه‌های ارزیابی فرهنگی آثار ادبی ترجمه‌شده به فارسی، شناخت و تحلیل شیوه‌های زیباشناسی کلامی در تعبیرهای ناخوشایند آن است، در پژوهش پیش‌رو تلاش بر آن است با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، راهکارهای زیباسازی کلامی در ترجمه واژگان ناخوشایند زبان عربی به‌ویژه در ترجمه ممنوعیت‌های زبانی رمان «بدایه و نهاییه» اثر نجیب محفوظ مورد کاوش قرار گیرد و تا جای امکان واژه‌ها و جمله‌ها از ممنوعه بودن درآیند و راهبردهایی برای معادل‌گزینی آن ارائه شود. این رمان برگزیده شد؛ زیرا نمودهای ممنوعه‌زبانی نسبتاً بسیاری در آن دیده می‌شود. در این پژوهش از تقسیم‌بندی گونه‌های زبان ممنوعه در پژوهش شریفی و دارچینیان استفاده می‌کنیم که به مواردی چون واژه‌های مرتبط با روابط خصوصی زن و مرد، دختر و پسر پیش از ازدواج و ... اشاره می‌کند. پس از در نظر گرفتن چهارچوب نظری و عملی برای یافتن نمود زبان ممنوعه در زبان فارسی، از تقسیم‌بندی خوش‌سلیقه و همکاران بهره می‌بریم. نتایج پژوهش در ۵ راهکار اصلی در ترجمه ممنوعیت‌های زبانی رمان بدایه و نهاییه، نشان از آن دارد که: جانشینی با (۳۳٪) و حذف با (۳۲٪) به ترتیب پربسامدترین و حذف با (۴٪) کم‌بسامدترین شگرد در ترجمه پیشنهادی این رمان است.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۲/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹
تاریخ انتشار: زمستان ۱۴۰۰
نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

زبان ممنوعه،
زیباشناسی کلامی، راهکارها،
رمان «بدایه و نهاییه»،
نجیب محفوظ.

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/JFLR.2021.323487.836 کلیه حقوق محفوظ است ۱۴۰۰

همتی، محمدعلی، افزلی، فرشته. (۱۴۰۰). بررسی راهکارهای زیباشناسی کلامی در ترجمه زبان‌ممنوعه رمان «بدایه و نهاییه» نجیب محفوظ. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، (۴)، ۶۸۲-۶۹۶.
Hemmati, M., Afzali, F. (2021). A Study of Verbal Aesthetics in Translating the Forbidden Language of "Bedaya v Nahaya" Novel by Naguib Mahfouz. Foreign Language Research Journal, 11 (4), 682-696.

* دبیر رسمی آموزش و پرورش، و زمینه‌های مورد علاقه: ترجمه و مطالعات ترجمه.

** زمینه‌های پژوهش، مطالعات ترجمه، نقد ترجمه، ترجمه تطبیقی و میان‌رشته‌ای، واژه‌شناسی و زبان‌شناسی است.



A Study of Verbal Aesthetics in Translating the Forbidden Nahaya” Novel by Naguib Mahfouz Language of “Bedaya v



Mohammad Ali Hemmati *

Graduated with a master's degree in Arabic translation at Damghan University of Iran.
Email: Mohammadhemmati114@gmail.com



Fereshteh Afzali **

(corresponding author)

Assistant Professor, Department of Arabic Translation, Faculty of Humanities, Damghan National University, Iran
Email: f.afzali@du.ac.ir

ABSTRACT

One of the appropriate solutions in translating the linguistic prohibitions of literary texts from Arabic to Persian is the use of "theological aesthetics" techniques. This technique is used by linguists as a verbal strategy in studies of language prohibitions. The use of verbal aesthetics has various reasons; Humans are naturally and instinctively inclined to utter unpleasant, undesirable, frightening words, and the expression of unfortunate events; Hence, they inevitably reach the goal with alternative words. The solution of verbal linguistics can be called localization in other ways; This means that the norms and values in the text of the source language and their related elements are properly translated.

Since one of the ways to culturally evaluate literary works translated into Persian is to recognize and analyze the methods of verbal aesthetics in its unpleasant interpretations. In particular, the translation of the linguistic prohibitions of the novel "The Beginning and the End" by Najib Mahfouz should be explored and words and sentences should be prohibited as much as possible and strategies should be provided for their equivalence. This novel was chosen; Because there are relatively many forbidden expressions of language in it.

In this study, we use the division of forbidden language types in Sharifi and Darchinian (2009) research, which refers to items such as words related to the private relations of men and women, girls and boys before marriage, and so on. After considering the theoretical and practical framework for finding the manifestation of the forbidden language in Persian, we use the division of good taste and colleagues (2018).

The results of research in 5 main strategies in translating the linguistic prohibitions of the initial and final novel, the results show that: replacement with (33%) and preservation, with (32%) the most frequent and "elimination" with (4%) the least frequent trick in The proposed translation of this novel.

DOI: 10.22059/JFLR.2021.323487.836

© 2021 All rights reserved.

ARTICLE INFO

Article history:

Received: May 20, 2021

Accepted: June 19, 2021

Available online:
winter2021

Keywords:

Forbidden Language, Verbal Aesthetics, Solutions, Beginner and Final Novel, Naguib Mahfouz.

Hemmati, M., Afzali, F. (2021). A Study of Verbal Aesthetics in Translating the Forbidden Language of “Bedaya v Nahaya” Novel by Naguib Mahfouz. *Foreign Language Research Journal*, 11 (4), 682-696.

* Official Secretary of Education, and areas of interest: Translation and translation studies.

** Areas of research are translation studies, translation criticism, comparative and interdisciplinary translation, lexicography and linguistics.

رابطه زبان و فرهنگ بسیار نزدیک ولی بسیار پیچیده است و رابطه متقابل زبان و فرهنگ یکی از اصلی‌ترین مسائل مورد توجه زبان‌شناسان از قرن نوزده تا کنون بوده است.

(ولی‌پور؛ شریفی، ۱۳۹۸: ۲۵۶)

مترجم در ترجمه با دو فرهنگ متفاوت، گاه با مشکلاتی روبرو می‌شود؛ در این شرایط، به‌عنوان واسطه میان این دو فرهنگ، باید به گونه‌ای عمل‌کند که از یک سو درون‌مایه و پیام متن مبدأ را انتقال دهد و از سوی دیگر ترجمه متن و عناصر فرهنگی آن، در تضاد و تقابل با دیدگاه فرهنگی جامعه مخاطب قرار نگیرد (حقانی، ۱۳۸۶: ۱۸۴-۱۸۵). با توجه به روابط گسترده فرهنگی که بین مردمان مغرب زمین و کشورهای عرب‌زبان در سده‌های اخیر برقرار گردیده، داستان‌نویسی عربی نیز، گاهی تحت تأثیر فرهنگ غربی قرار گرفته و عناصر گوناگون و گاه متضاد با فرهنگ این سرزمین‌ها همچون واژگان ممنوعه وارد دنیای ادبی و داستان‌نویسی شده‌است. پرسشی در این زمینه پیش می‌آید که آیا یک واژه زبان ممنوعه در حقیقت ممنوع است؟ در پاسخ باید گفت هر واژه به دنبال یک مفهوم ساخته‌شده و بدون مفهوم، ممنوع بودن یا نبودن آن معنا ندارد. این مفاهیم هستند که در گذر زمان و مکان وقتی در قالب واژه‌ها قرار گیرند، به این قالب‌ها رنگ ممنوعیت و یا مقدس بودن می‌دهند.

۱-۱. بیان مسأله

در ادبیات داستانی دنیای عرب، توصیف‌ها و رخدادهایی وجود دارد که در جامعه ما پذیرفته نیست. در حقیقت شاید برجسته‌ترین تأثیر منفی ادبیات داستانی غرب بر ادبیات داستانی عربی، طرح غریزه جنسی، روابط نامشروع، و خلاف عفت زن و مرد و نیز شرح و توصیف این اعمال در داستان‌نویسی و القای شیوه تفکر غربی درباره روابط زن و مرد باشد و می‌توان گفت بارزترین ویژگی داستان‌نویسان عربی، توجه به مسأله عشق جنسی و روابط نامشروع بین زن و مرد از همان دیدگاه غربی است.

یکی از راهکارهای مناسب در ترجمه زبان ممنوعه از عربی به فارسی استفاده از شگرد زیباشناسی کلامی است که برای جایگزین کردن واژه خوشایند به جای واژه ناخوشایند به کار می‌رود. زبان‌ممنوعه در فرهنگ‌های گوناگون، مصداق‌های یکسانی ندارد و هر جامعه می‌تواند واژگانی را که زبان ممنوعه

تشخیص می‌دهد، در ترجمه، تعدیل و یا حذف کند. مترجمان برای ترجمه واژه‌های ممنوعه معمولاً از راهکارهای جابجایی، حذف، کاهش و افزایش استفاده می‌کنند. با توجه به این توضیحات در پژوهش پیش‌رو تلاش بر آن است راهکارهای زیباشناسی کلامی در ترجمه واژگان ناخوشایند زبان عربی به‌ویژه در ترجمه ممنوعیت‌های زبانی رمان «بدایه و نهایه» نجیب محفوظ مورد کاوش قرار گیرد و تا جای امکان واژه‌ها و جمله‌ها از ممنوعه بودن درآیند. گفتنی است دلیل گزینش این رمان این است که نمونه‌های ممنوعه زبانی نسبتاً بسیاری در آن دیده می‌شود.

۲-۱. روش و پرسش‌های پژوهش

از آنجا که یکی از راه‌های ارزیابی فرهنگی آثار ادبی ترجمه‌شده به فارسی، شناخت و تحلیل شیوه‌های زیباشناسی کلامی تعبیر ناخوشایند آن است، لذا جستار حاضر در تلاش است با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، میزان تأثیرگذاری راهکارهای زیباشناسی کلامی در ترجمه واژگان ناخوشایند زبان عربی، بر ذهن و زبان خواننده فارسی‌زبان را کشف نماید.

ممکن است واژه‌ای به دلایل فرهنگی، تاریخی، سیاسی، دینی یا اجتماعی در زبان و بافتی ممنوعه باشد و در زبان و بافت دیگر نباشد. از این روی به چهارچوبی نظری در زبان فارسی برای پیدا کردن زبان ممنوعه در ترجمه نیاز داریم. برای این منظور رمان «بدایه و نهایه» را برگزیدیم. در گام نخست، همه واژه‌ها و جمله‌های آن را بررسی کردیم و واژگان و عبارتهای ممنوعه آن را گردآوری کردیم.

در این پژوهش از تقسیم‌بندی نمود زبانی تابو در پژوهش شریفی و دارچینیان (۱۳۸۸) استفاده کردیم که به مواردی چون واژه‌های مرتبط با روابط خصوصی زن و مرد، دختر و پسر پیش از ازدواج و اندام‌های تناسلی و واژه‌های قبیح و بی‌ادبانه اشاره می‌کند، پس از نظر گرفتن چهارچوب نظری و عملی برای یافتن نمود زبان ممنوعه در زبان فارسی، از تقسیم‌بندی «خوش‌سلیقه و همکاران» (۲۰۱۸) بهره بردیم، آنگاه ۵ راهکار اصلی را در ترجمه ممنوعیت‌های زبانی رمان «بدایه و نهایه» پیاده کردیم؛ آنگاه برای بررسی داده‌ها و رسیدن به نتیجه مناسب، شیوه تحلیل محتوا را به کار بردیم و به منظور تحلیل سنجیده‌تر، بسامد و فراوانی داده‌های برگرفته از رمان اندازه‌گیری شده و به یاری آمار توصیفی و استنباطی تفسیر شد.

پرسش‌هایی که در پی پاسخ به آن هستیم:

۱- کدام یک از راهکارهای زیباشناسی کلامی، مقصود ممنوعیت‌های زبانی را در بافت معنایی رمان تغییر نمی‌دهد؟

۲- کدام یک از راهکارهای زیباشناسی کلامی در ترجمه ممنوعیت‌های زبانی رمان «بدایه و نهاییه» برای سازش با هنجارهای فرهنگی ما پرکاربردتر است؟

۱-۳. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های بسیاری درباره هنجارها و زبان ممنوعه و راهکارهای ترجمه آن صورت پذیرفته است؛ از جمله:

نسرين عسکری (۱۳۸۹) در پایان‌نامه «بررسی راهکارهای ترجمه‌ای به کارگرفته شده در ترجمه دشواژه‌ها در دوبله و زیرنویس فیلم‌ها از انگلیسی به فارسی»، دانشگاه علامه طباطبائی، استاد راهنما: احمد صدیقی، پنج فیلم هالیوودی را به همراه دوبله و زیرنویس آن بر پایه مدل گاتلیب سنجیده است و به این نتیجه رسیده که رایج‌ترین شگرد در دوبله، حذف و در زیرنویس، شگرد راهکار می‌باشد.

مریم آذردهشتی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه «رویکرد هنجارمحور به ترجمه تابوهای کلامی در ناطوردشت» دانشگاه علامه طباطبائی، استاد راهنما: حسین ملانظر، با نظر به اهمیت تابوهای کلامی چون دشواری‌های پیش روی مترجمان در رویارویی با آن، رویکرد سه مترجم فارسی این رمان را در برخورد با تابوهای کلامی بررسی نموده است و تلطیف‌سازی، انتقال مستقیم و جبران‌سازی را پرکاربردترین شگرد بیان می‌کند.

مریم بنایی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه «بررسی سانسور در ترجمه رمان به زبان فارسی با نگاهی به آثار گابریل گارسیا و پائولو کوئیلو»، دانشگاه بیرجند، استاد راهنما: حسن امامی. به بررسی سانسورهای نهادی و فردی در ترجمه آثار فوق پرداخت و به این نتیجه رسید که مترجم از طیف گسترده‌ای از راهکارهای حذف و جایگزینی در ترجمه تابوهای این آثار بهره می‌برد.

احسان طالب‌نیا (۱۳۹۲) در پایان‌نامه «راهبردهای ترجمه تابو در دوبله فیلم‌های پلیسی»، دانشگاه علامه طباطبائی، استاد راهنما: غلامرضا تجویدی، ده فیلم سینمایی پلیسی و دوبله آن را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که در این دوبله از شگرد افزایش، حذف، جایگزینی و تخفیف استفاده شده است.

شهلا شریفی و فهیمه دارچینیان (۱۳۸۸) در مقاله «بررسی نمود زبانی تابو در ترجمه به فارسی و پیامدهای آن» مجله تخصصی

زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، مشهد، سال ۱، شماره ۱، با بررسی برخی از متون ترجمه‌شده به زبان فارسی، تابوهای فرهنگ فرادست را دسته‌بندی نموده و بحث خودسانسوری و دیگرسانسوری و شیوه‌های رایج آن را مطرح نمودند و چنین نتیجه گرفتند که مهم‌ترین راهبردهای مترجمان در ترجمه تابوها شامل حذف، واژه‌های کلی، وام‌واژه و ابداع واژه می‌باشد.

فرامرز میرزایی و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله «شگرد ساده‌سازی تابوهای فرهنگی در برگردان‌های مرعشی‌پور از رمان‌های راه و کوچه مدق نجیب محفوظ»، نشریه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۳، به شیوه‌هایی که مرعشی‌پور برای ساده‌سازی زبان ترجمه در ترجمه رمان‌های نجیب محفوظ استفاده کرده، اشاره نمودند و مهم‌ترین آن‌ها را شامل حذف، جایگزینی و کاهش برشمردند.

میلاد مهدیزادخانی و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله «ترجمه فارسی تابوهای زبانی فیلم پالپ فیکشن: مقایسه ترجمه دانشجویی و حرفه‌ای»، نشریه مطالعات زبان و ترجمه، شماره ۱، راهکارهای به کاررفته توسط دانشجویان را در رویارویی با نمودهای زبان تابو با ترجمه حرفه‌ای و رسمی آن مقایسه کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که شرکت‌کنندگان با حذف اغلب نمودهای زبان تابو مانند ترجمه حرفه‌ای از راهکارهای ترجمه حرفه‌ای و رسمی ترجمه دیداری- شنیداری استفاده می‌کنند.

همچنین پژوهش‌های گوناگونی درباره شگرد زیباشناسی کلامی و حسن تعبیر انجام شده است:

عصام الدین أبو زلال (۲۰۰۱م) در پایان‌نامه «التعبير عن المحظور اللغوی والمحسن اللفظی فی القرآن الکریم، دراسة دلالية»، رساله دکتری، دانشگاه قاهره، استاد راهنما: عبدالمنعم تلیمه، قرآن را همچون متنی کاملاً ادب‌محور معرفی می‌کند و با ذکر نمونه مثال-های فراوان اثبات می‌کند که در قرآن با استفاده از شگرد حسن-تعبیر تلاش بر آن است نزاکت اجتماعی مخاطب در تمامی دوران‌ها و فرهنگ‌ها حفظ شود.

بیاتی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه «بررسی ساختار زبانی حسن‌تعبیر در فارسی»، دانشگاه آزاد، استاد راهنما: محمد راسخ مهند، به مهم-ترین ساختارهای سازنده تعابیر زیبا در زبان فارسی می‌پردازد و چنین نتیجه گرفت که در متون فارسی، نزاکت اجتماعی و خودانگاره اجتماعی حفظ می‌شود؛ به همین جهت نویسندگان و شاعران فارسی‌زبان از شگرد حسن‌تعبیر استفاده فراوانی می‌کنند.

عبدالباسط عرب یوسف‌آبادی و فرشته افضلی (۱۳۹۷)، نشریه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۸، شماره ۱۹، در

مقاله «بررسی سازوکارهای حسن تعبیر در ترجمه تابوهای رمان الهوی از هیفا بیطار» با استناد به ابزارهای زبانی حسن تعبیر به بررسی تابوهای این رمان می‌پردازند و مناسب‌ترین ترجمه را برای آن ارائه می‌دهند. و از میان راهکارهای ترجمه، استلزام معنایی، گسترش معنایی و مجاز را پربسامدترین سازوکار معرفی می‌کنند.

غلامرضا پیروز و منیره محرابی کالی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی معنی‌شناختی حسن تعبیرات مرتبط با مرگ در غزلیات حافظ»، نشریه ادب پژوهی، شماره ۳۳، چگونگی سخن‌گفتن از مرگ در غزلیات حافظ بر اساس مقوله حسن تعبیر را بررسی می‌کنند و به مؤلفه‌هایی که حافظ برای ایجاد حسن تعبیر به کار می‌گیرد اشاره می‌کنند؛ از جمله: وام‌واژه، واژگان کلی، عبارت‌های اشاره‌ای، رد خلف، ترادف و...

هادی نهر (۲۰۱۴) در مقاله «المحظورات والمحسنات اللغویة التركیبیة فی نهج البلاغہ»، جامعه جندارا، المملكة الأردنية الهاشمیة، متن نهج البلاغہ را به‌عنوان الگویی مناسب برای رعایت نزاکت اجتماعی و حفظ جایگاه اجتماعی مخاطب می‌داند و نمونه‌های فراوانی جهت زیباسازی کلام از این اثر استخراج نمود که دال بر ادب‌محوری آن می‌باشد.

سجاد موسوی و ابراهیم بدخشان (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی حسن‌تعبیر در زبان فارسی: رویکردی گفتمانی»، نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، دوره ۶، شماره ۱۲، به بررسی سازوکارهای ساخت معنای حسن تعبیری در زبان فارسی با رویکرد گفتمانی کرسیو فرناندر پرداخته‌اند و مهم‌ترین شگردهای آن را کاهنده عبارت‌های شبه امری، افعال وجهی تعدیل‌گر، قیده‌های کاهنده و تضمن مکالمه‌ای معرفی کرده‌اند.

با توجه به پیشینه یادشده، تاکنون هیچ پژوهشی به بررسی زبان‌ممنوعه رمان «البدایة والنهایة» و زیباشناسی کلامی و راهکارهای آن نپرداخته است.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. زبان ممنوعه

زبان ممنوعه اصطلاحی است متعلق به قوم پولینزی. (فروید، ۱۳۸۷: ۴۴). در کتاب «رساله تاریخ ادیان» دربارهٔ معادل زبان ممنوعه در زبان‌های دیگر آمده است: واژه‌های معادل تابو مانند کلماتی هستند که در زبان ماداگاسکاری به معنای: «مقدس،

مکروه، زنا با محارم، و اقارب و بدیمن» است. واژه‌های دیگری نیز وجود دارند که در فرهنگ‌های لغت به این معانی آمده‌اند، مانند: «هرچه خارج از نظام طبیعی یا ضد آن است، خارق عادت، مصیبت، و بلیهٔ عمومی، بدبختی شگرف، گناهی درحق قانون طبیعت، و در آخر زنا با محارم». (الیاده، ۱۳۷۲: ۳۶).

واژه‌ها، مؤلفه‌های صدایی هستند که می‌توانند زشت باشند. نفس واژه، زشت نیست؛ بلکه میان این واژه‌ها، ویژگیها و رفتارهای اجتماعی پیوندهایی وجود دارد که سبب می‌شود این واژگان زبان ممنوعه پسندیده نباشند. (آلن و بریج، ۱۹۹۱: ۱۱). از سوی دیگر، در هر زبان واژه‌ها و معادل‌هایی برای اعمال ممنوع همچون روابط جنسی، دشواژه، دشنام‌ها و... وجود دارد که در دسته زبان ممنوعه کلامی و یا زبانی قرار می‌گیرد و اهل زبان برای به کارنبردن این واژه‌ها، تلاش می‌کنند حسن تعبیرهای مناسب (Euphemism) به‌جای آن به کار ببرند. زبان ممنوعه در پیوند با اموری است که بر زبان آورده نمی‌شود. (ترادگیل، ۱۳۷۶: ۳۸)

ممنوعیت‌های زبانی به دو گروه زبانی و فرهنگی دسته‌بندی می‌گردند؛ گفتنی است واژه‌های قبیح مانند فحش و ناسزا همان دشواژه‌ها و واژه‌های رکیک است که در دسته تابوهای زبانی قرار می‌گیرد و سایر تقسیم‌بندی‌ها به‌عنوان تابوی فرهنگی مطرح می‌گردد که در حقیقت همان جنبه‌های فرهنگ جوامع غربی و ناسازگار با هویت ایرانی است.

گونه‌های زبان ممنوعه طبق دسته‌بندی شریفی و دارچینیان عبارت است از: روابط خصوصی زن و مرد (بوسیدن، همبستر شدن، هم-آغوشی، خیانت)، روابط آزاد دختر و پسر پیش از ازدواج، نام بردن اندام‌های تناسلی و واژه‌های مرتبط با آن؛ مشروبات الکلی و مواد مخدر، واژه‌های قبیح و بی ادبانه، بیان مسائل و باورهای دینی، اعتقادی متضاد با جامعه و بیان برخی مسائل سیاسی تهدید کننده منافع جامعه. (شریفی و دارچینیان، ۱۳۸۱: ۱۳۲).

۲-۲. زیباشناسی کلامی

عبارتها عموماً دارای بار فرهنگی ویژه خود هستند و مترجم فرای از برگردان واژه‌ها باید آن بار فرهنگی را یافته، آنگاه آن را با زبانی شیوا و روان ترجمه و تفسیر کند. (صابونچی، ۱۳۹۴: ۳۳۴)

به گفته هرمانز، لازم است هر ترجمه‌ای تا اندازه‌ای دستکاری شود تا با محیط فرهنگی و اجتماعی زبان مقصد سازگاری پیدا کند (بلوری، ۱۳۹۶: ۵۶). زیباشناسی کلامی یا حسن تعبیر در

اصطلاح، به کاربردن واژه‌های ملایم، مؤدبانه و غیرمحاویره‌ای به- جای واژه‌های گستاخانه، صریح و غیرمؤدبانه است. این گونه واژه‌ها به‌ویژه در مسائل ناراحت‌کننده، ترسناک یا کریه به‌جای واژه‌های اصلی به کار می‌روند. به کاربردن واژه‌های «درگذشت» یا «فوت» به‌جای «مرگ»، «دوست» به‌جای «رفیق» و «بینی» به- جای «دماغ»، نمونه‌هایی از زیباشناسی کلامی است. (داد، ۱۳۸۷: ۱۱۵). به کارگیری واژگان و عبارتهای خوش آهنگ، خوش آیند به‌جای واژگان و عبارتهای خشن و محاویره‌ای، زیباشناسی کلامی نامیده می‌شود. (انوشه، ۱۳۸۱: ۵۲۸).

وارن با گزینش رویکردی کاربردشناختی، زیباشناسی کلامی را این گونه تعریف می‌کند: زمانی واژه زیباشناسی کلامی وجود خواهد داشت که مخاطب درک کند که بعضی از واژه‌ها یا عبارات دال بر تمایل گوینده برای اشاره به پدیده‌ای حساس، به شیوه‌ای مؤدبانه و یا ضمنی است. در حقیقت تفسیر و تعبیر واژه‌های زیبایی کلامی، بر اساس بافت تعیین می‌گردد. به عبارت دیگر، گوینده باید منظوری زیباشناسی از واژه به کار رفته شده داشته باشد و مخاطب نیز آن را دارای بار معنایی حسن تعبیری بداند. (وارن، ۱۹۹۲: ۱۳۵)

از سوی دیگر، تنها از بافت و شرایط مشخص می‌توان یک عبارت زبانی را همچون زیباشناسی کلامی به شمار آورد و در این شرایط معنای زیبایی کلامی چون ارزش کلامی شناخته می‌شود. (شعیری، ۱۳۸۸: ۶۹) هنگامی که در کلام از زبان ممنوعه پرهیز می‌کنیم و اقدام به خوشایندسازی می‌کنیم، در حقیقت ساختار و شیوه گفتار خود را ویرایش کرده‌ایم و این همان جبران کلام نامناسب است که به آن زیباشناسی کلامی می‌گوییم. (وارداف، ۲۰۰۶: ۳۸۳)

با توجه به این گفته‌ها، زیباشناسی کلامی پدیده‌ای دووجهی است: ۱- چون فرایندی که بر روی مفاهیم زبان ممنوعه (مانند ممنوعیت‌های مربوط به مسائل جنسی و...) انجام می‌شود و در مطالعات مربوطه آن را چون پدیده‌ای واژگانی در نظر می‌گیرند. ۲- چون مجموعه شیوه‌های گفتمانی که برای قالب‌ریزی رفتارهای کلامی که با ملاحظات و اصول ادب سازگاری ندارند، به کار می‌رود. (موسوی و بدخشان، ۱۳۹۵: ۵۹)

۲-۳. راهکارهای زیباشناسی کلامی در ترجمه رمان «بدایه و نهایه»

راهکار زیباشناسی کلامی را می‌توان به گونه‌ای دیگر، «بومی- سازی» نامید. این امر به مفهوم آن است که هنجارها و ارزش‌های موجود در متن اصلی و زبان مبدأ و عناصر مربوط به آنها را به صورت مناسبی درآوریم. از نگاه ونوتی، بومی‌سازی پیوسته نیازمند گونه‌ای تغییر در متن اصلی برای مطابقت آن با ارزش‌های جامعه مقصد است؛ یعنی گونه‌ای جایگزین کردن تفاوت زبانی و فرهنگی متن بیگانه با متنی آشناتر برای خواننده زبان مقصد. (Venuti 1995: 18)

در زبان فارسی، مترجمان راهبردهای گوناگونی برای ترجمه و برابریابی ممنوعه‌های زبان به کار می‌برند؛ بر پایه تقسیم‌بندی «خوش سلیقه و همکاران» (۲۰۱۸) راهبردهای به کارگرفته شده در ترجمه رمان «بدایه و نهایه» را در ۵ دسته طبقه‌بندی می‌نماییم:

۲-۳-۱. حذف نمود زبان ممنوعه در زبان فارسی

حذف یعنی «پرهیز از آوردن بخشی از کلام به سبب کارکرد بلاغی ویژه‌ای چون تعظیم، گزیده‌گویی، ابهام و مراعات ادب». (الزركشي، ۱۹۸۸: ۱۱۵) در این راهبرد، مترجم واژه یا عبارت ممنوعه را بدون یافتن معادلی در زبان مقصد، ممنوعه یا غیرممنوعه حذف می‌کند.

گاهی قدرت تابوها در زبان مقصد به اندازه‌ای است که جایگزینی برای آن وجود ندارد و راهی جز حذف نیست. (شريفی و دارچینیان، ۱۳۸۸: ۱۴۰). به گونه کلی حذف، ناشی از این واقعیت است که اهل زبان برای ایجاد ارتباط، تنها به واژه‌ها و معنای تحت اللفظی آنها تکیه ندارند؛ بلکه به تاثیر بافت موقعیت متن در ارتباط و انتقال معنا توجه دارند. (نیازی و قاسمی‌اصل، ۱۳۹۷: ۶۱). در این رمان تلاش می‌کنیم تا جای امکان از کاربرد شگرد حذف در ممنوعه‌های زبانی پرهیز کنیم و تنها در چند مورد به‌ناچار، آن را به کار ببریم، برای نمونه:

شاهد مثال	گونه ممنوعیت زبانی	ترجمه زیباشناسی کلامی	توضیحات
أعطینی شفتیک أقبههما، سأقبههما كثيرا مائة قبله أو	روابط جنسی (بوسیدن)	بگذار تو را ببوسم، زیاد، صد بار یا هزاران	حذف: عبارت بوسیدن لب، در فرهنگ ما جزء زبان‌های

ألفا، سأقبل لهما حتى أموت. (۶۲۳)	بار ببوسم، تا سرحد مرگ تو را ببوسم.	ممنوعه‌ای است که بهتر است تنها از واژه بوسیدن استفاده شود.
أريد ان اشعر بشفتيك تاكلان شفتي....هه (۶۲۳)	روابط جنسی (بوسیدن)	دلم می‌خواهد احساس کنم مرا می‌بوسی
إني أتحرق إلى أن أطيع قبلة علی شفتيك و أن أضمك الی قلبی (۶۶۴)	روابط جنسی	آنقدر می‌سوزم تا تو را ببوسم و در بر بگیرم
كانت ملتفتة فی معطفها الأحمر، ینحسر جیبه فی أعلى صدر عن الفستان الرمادی (۶۲۵)	اندام جنسی	پالتوی قرمز رنگ خود را به تن داشت، و گردنش از آن پیراهن خاکستری پیدا بود.
ثم علق بصره بالمشریة الدقیقة المکورة صورتها الخیاطة حقا لثدیین ناهدین تکادان لشدة نهوضهما تطیران. لو لا ما یمسکهما من صدر أبيض صاف، تخیل أنه یدغدغها بأنامله و أنهما یقاومان الشد بصلابتھما (۶۶۳)	اندام جنسی	آنگاه چشمش به پیاله باریک و گردی افتاد که به راستی خیاط آن را برای اندام برجسته او دوخته بود. و تصور می‌کرد که بدن او را با انگشتانش غلغلک می‌دهد و اندامش با همه اقتدار مقاومت می‌کند.

۲-۳-۲. جانیشینی زبان ممنوعه به واژه یا عبارتی که در زبان فارسی ممنوعه به شمار نمی‌رود.

در راهبرد جانیشینی، مترجم تلاش می‌کند زبان ممنوعه مبدأ را با معادلی در زبان مقصد، جایگزین کند. خواه عبارتی ممنوعه و خواه خنثی باشد.

جایگزین‌سازی واژگانی به‌طور کلی شیوه‌ای مؤثر، جهت کاهش دادن بار معنایی ناخوشایند واژه‌ها است، مانند: آرامگاه (قبر)، آب دهان (تف)، باد گلو (آروغ)، فوت (مرگ)، دستشویی (توالت)، ناشنوا (کر)، ناموافق (شکست خورده)، ادرار (شاش)، بیرون روش [ی] (اسهال) و... فرایند جانیشینی، گاه به شکل مجاز کل به

جزء و برعکس، نیز خود را نشان می‌دهد (بدخشان و موسوی، ۱۳۹۳: ۲۰). مجاز یعنی «کاربرد واژه و عبارت در معنایی غیر از معنای حقیقی آن». (الجرجانی، ۱۹۹۲: ۳۵) مناسب‌ترین گونه مجاز برای ترجمه زبان ممنوعه، به‌ویژه تابه‌های جنسی، مجاز کل به جزء (Synecdoche) است؛ برای نمونه، واژگانی چون النبیذ، الملمس، الفخذ، و... به صورت مستقل و یا در بافت کلام، زبان ممنوعه به شمار می‌رود. از این روی در ترجمه باید از شگرد جانیشینی (مجاز کل به جزء) برای ایجاد معنای زیباشناسی کلامی استفاده شود؛ بدین گونه که با واژگانی چون «بدن، پاهای و نوشیدنی (واژگان کلی) آن تعبیر ناخوشایند کنار رود.

شاهد مثال	گونه ممنوعیت زبانی	ترجمه زیباشناسی کلامی	توضیحات
فتقر بإصبعه علی ثديها (۷۴۳)	اندام بدن	مرد با انگشت بر روی بدنش ضربه زد	جانشینی: به جای معادل «التدی» از مجاز کل یعنی «بدن» استفاده می‌کنیم.

لو انحسر الفستان قليلا (۵۸۳)	اندام بدن	کاش دامن، اندکی از پاهایش را نشان دهد.	برهنه شدن، جزء زبان ممنوعه به شمار می‌رود و اصطلاح نشان دادن جایگزین آن شده است.
أجمل منظر فی الدنيا منظر إمراة تخلع ثيابها (۵۸۳)	اندام جنسی	زیباترین چشم انداز در دنیا، منظره زن بدون لباس است.	جانشینی عبارت لباس درآوردن و برهنه شدن زن با عبارت بدون لباس
لا یحرمهم حقوقهم من العناق و القبل (۷۶۱)	روابط جنسی (بوسه و هم-آغوشی)	حقوقشان آن دو را از نزدیکی به هم بی‌نصیب نمی‌گذارد.	جانشینی هم آغوشی و بوسه با نزدیکی
- و مال نحوها فیها یشبه الانقضاض فرعها بین یدیه و جلس لصقها (۶۲۲)	روابط جنسی	و با حرکتی همچون شیرجه به طرف دختر رفت و او را در برابر خود بلند کرد و کنارش نشست.	جانشینی: واژه کنار با چسبیده
و اندلق علیها و قبل شفیتها قبله طویلله شرهه (۶۲۳)	روابط جنسی	و به سمت او آمد و بوسه‌ای حریصانه و طولانی بر صورتش زد.	جانشینی لب با صورت و نیز عبارت «به سمت او آمدن»
لی رفیقہ (۶۷۲)	روابط آزاد دختر و پسر	یک همراه دارم	جانشینی: همراه به جای دوست دختر
أما هذه المرأة فها هی تستسلم لعابر سبیل (۷۴۴)	روابط جنسی	ولی این بار با یک رهگذر رابطه برقرار می‌کند.	جانشینی: عبارت رابطه برقرار کردن به جای در اختیار گذاشتن خود.
کیف هانت علیها نفسها فسلمت له! (۶۳۹)	روابط جنسی (هم‌بستری)	چگونه به راحتی توانست به آن مرد پاسخ بدهد!	جانشینی فعل در اختیار گذاشتن با پاسخ دادن. عبارت «تسلم نفسها» در فرهنگ ما جزء زبان ممنوعه است و برای ترجمه آن نمی‌توان معادل بی‌پرده آن را

آورد.			
جانشینی: در آغوش گرفت	بسیار وحشیانه او را به خود نزدیک کرد	روابط جنسی	و ضمها الی صدره بوحشیه (۶۷۷)
جانشینی صورت با دهان و نیمه چانه	دهان گشادش را باز کرد و بر صورت نفیسه بوسه زد.	روابط جنسی	فغفر فاه العریض و أطبق علی فمها حتی منتصف ذقنها (۶۷۷)
جانشینی: نوشیدنی با مشروب و خماری شدن با مست شدن	شنیده‌ام کثیف‌ترین نوشیدنی را در این ناحیه داری و چون نوشیدنی خوب دیگر در من اثر نمی‌کند، به عشرتکده تو آمدم تا خمارشوم.	مشروبات الکلی	سمعت ان لدیک اقدر خمر توجد فی هذه الناحیه و لما کانت الخمر الجیده لم تعد تؤثر فی، فقد قصدتک لأسکر!! (۶۶۶)
جانشینی: عبارت رابطه برقرار کردن به جای هم‌بستر شدن از بار معنایی منفی پیام می‌کاهد.	چقدر خوب است که صاحب این ویلا بشوم و با این دختر وارد رابطه بشوم.	روابط جنسی	ماأجمل أن أملك هذه الفیلا و أنام فوق هذه الفتاة. (۷۴۰)

۲-۳-۳. حفظ نمود زبان ممنوعه

در این رمان از ترجمه برخی از واژه‌ها چون، بوسه، آغوش، بوسیدن و.. نتوانستیم صرف‌نظر کنیم و راهکار حفظ را برگزیدیم؛ زیرا حذف ترجمه این واژه‌ها و عبارتها، مفهوم جمله را دچار نقص می‌کند.

حفظ، راهکاری است که مترجم تمام نمودهای زبانی را در متن اصلی بدون کم و کاست آورده و تلاش دارد با این روش، وفاداری خود را به‌عنوان یک مترجم، نسبت به متن مبدأ و نویسنده نشان دهد.

توضیحات	ترجمه زیباشناسی کلامی	گونه ممنوعیت زبانی	شاهد مثال
حفظ ترجمه واژه بوسیدن و در آغوش گرفتن	عیبی ندارد که او را ببوسم و در آغوش بگیرم	روابط جنسی (بوسیدن و هم-آغوشی)	ما من بأس فی أن أقبلها و اعانقها (۵۸۳)
حفظ ترجمه دریغ کردن و دادن	و وقتی ازدواج کنیم، آنچه را که از من دریغ می‌کردی با رضایت می‌دهی؟ این طور نیست؟	روابط جنسی	و اذا تم الزواج بذلت لی ما تتمنعین عنه بنفس راضیه، ألیس کذلک؟ (۶۶۸)
حفظ ترجمه «لمس کردن دست»	ولی احساس کرد دست مرد شانه‌هایش را لمس می‌کند.	روابط جنسی	ولکنها شعرت بیده تتحسس منکیبها (۶۲۱)
حفظ واژه‌های باده و حشیش به این سبب که حذف آنها از جمله به	پس بدان راحت است که رودخانه‌ها را به باده و کوهها را به حشیش تبدیل	مشروبات الکلی و مواد مخدر	إذن فاعلم أنه من الیسر أن نجعل الأنهار خمورا و الجبال حشیشا. (۶۳۹)

	کنیم.		
مفهوم آسیب می‌رساند.			
ولکنه شد علی خاصرتها فلم یتخل عنها(۶۲۱)	روابط جنسی	ولی کمر او را محکم گرفت بود و رهایش نکرد	حفظ ترجمه در آغوش گرفتن
ولایزال یؤثر علیها حیاة التسکع و المقامرة الحقیرة.(۶۳۶)	عادات زشت و بد اجتماعی	و همواره زندگی حقارت‌بار ولگردی و قماربازی نیز بر کارش اثر می‌گذارد.	حفظ ترجمه واژه قماربازی
فستان مؤدب و محتشم ولکنه علی تحفظه یکشف عن الساعدين و اسفل الساقين و العنق الرقيق الشفاف (۶۶۳)	اندام جنسی	پیراهنی بانزاکت و حجب و حیا، ولی با وجود همه ملاحظه‌اش، دست‌ها و ساق پا و گردن باریک و شفافش را نشان می‌داد	حفظ ترجمه توصیف اندام زن
لم یسبق لها قبل هذه المرأة أن ذهبت مع رجل قبل تعارف طويل أو قصير، ولو بعد رؤيته مرتين أو ثلاثا، الی أنها لم تكن تخلو من رغبة. (۷۴۴)	روابط آزاد پسر و دختر	تاکنون پیش نیامده بود که قبل از آشنایی کوتاه یا بلندمدت حتی پس از دو یا سه دیدار، با مردی بیرون برود، ولی (اکنون) بی‌میل نبود.	حفظ ترجمه عبارت بیرون رفتن با مرد
ما هی الا أسيرة للجسد و الفقر (۷۴۴)	روابط جنسی	نقیسه، تنها اسیر تن و فقر است.	حفظ ترجمه: عبارت اسیر تن بودن

کار می‌رود. مانند واژه «تیل» به جای «چاق» یا ملایم ادا کردن
برخی از فحش‌ها و ناسزاها؛ برای نمونه به جای فحش «پدرسگ»
بگوییم: فلان و فلان شده.

در راهکار کاهش، تنها بخشی از واقعیت بیان می‌گردد.
[\(Allan&Burrige,1991: 33\)](#) با به کار بردن این شگرد
برخی از مفاهیمی که دارای بار معنایی منفی است، ضعیف‌تر و
ملایم‌تر از حد خود بیان می‌شود. این ترفند از یک سو از نفوذ
رفتارهای زشت و ناپسند در فرهنگ ما جلوگیری می‌کند و از
دیگر سو با قابلیت تلطیف‌سازی، در زیباسازی ترجمه نیز یاری
می‌رساند. [\(عرب یوسف‌آبادی و افضلی، ۱۳۹۸: ۲۹۲-۲۹۳\)](#)

۲-۳-۴. کاهش اثر زبان ممنوعه در زبان فارسی

یکی از این شگردهای زیباشناسی کلامی که به ساده‌سازی متن
اصلی در متن ترجمه می‌پردازد، کاهش (کم گفت) است. اگر
درون مایه معنایی در زبان مبدأ در قالب چندین واژه بیان شود و
زبان مقصد توان این را داشته باشد که همان مفاهیم را در قالب
واژه‌های کمتر و یا اثر کمتر بیان کند و مترجم نیز از این هنر
برخوردار باشد، روش «کم گفت» یا «کاهش» برگزیده شده است.
این راهکار در مقابل اصطلاح «مبالغه یا افزایش» به کار می‌رود.
[\(Warren, 1992: 34\)](#) در این فرایند، واژه‌ای که دارای بار
معنایی منفی کمتری است به جای واژه ممنوعه و ناخوشایند به

شاهد مثال	گونه ممنوعیت زبانی	ترجمه زیباشناسی کلامی	توضیحات
ولکن هذا البلد لم یعد یحترم الإسلام (۵۸۳)	باورهای دینی و اعتقادی متضاد	ولی این شهر دیگر به اسلام کم توجه شده است.	به سبب اینکه گفتن این شهر، دیگر به اسلام احترام نمی‌گذارد، متناقض

باورهای دینی و اعتقادی است می توان با گفتن «بی توجه بودن» از نمود زبان ممنوعه کاست.			
عبارت فلان شده در برابر صفت زشت پدرسگ، از میزان ممنوعه بودن می کاهشد.	فلان شده	واژه قبیح (ناسزا)	ابن الکتب (۶۳۱)
کاهش اثر: نشست و برخاستن به جای صفت زن باره بودن.	می گویند معلم تاریخ، با زنان نشست و برخاست دارد.	روابط آزاد زن و مرد	یقولون إن مدرس التاريخ زیرالنساء. (۵۸۳)
کاهش اثر: صفت خدانشناس به جای ناسزای توله سگ	از داخل خانه صدای خشنی شنید که با عصبانیت فریاد می زد: -کدام آدم خدانشناسی این موقع صبح در میزند؟!		جاء صوت غلیظ من الداخل یهتف بحق: -من ابن الکتب الذی یطرق الباب فی هذه الساعة المبكرة؟! (۶۹۳)
کاهش اثر: به کار بردن واژه حرف ناسزای بی شعور به- جای واژه سگ	دانش آموزان بی-شعور به من می گویند: حسان أس ۳	واژه های قبیح	التلامیذ الکتب، یدعوننی یحسان أس ۳ (۷۰۷)
کاهش اثر: نشان دادن به جای برهنه شدن	و تن همچون بلورت را به من نشان می دهی	روابط جنسی	وتنزعین عنک ثوبک و تبدین عاریة کالبور
کاهش اثر تابوی فعل هم بستر شدن	به بدن این دختر نزدیک می شوم	روابط جنسی	أنام فوق هذه الفتاة (۷۴۰)
کاهش: دوست داشتنی به جای هوس انگیز	چقدر مرا به شوق می آورد شنیدن حرفی که با آن، آن لب های دوست داشتنی اش به حرکت درآید..	اندام جنسی	یشد ما یشوقتی أن اسمعها قولاً تتحرك به الشفتان الشهیتان (۶۰۵)
کاهش اثر: به	آیا در روزنامه های صبح	روابط آزاد دختر و	ألم تقرأ ماتشره الصباح

عن فتیات مهجورات لاستهارهن؟ (۶۲۶)	پسر	درباره دخترانی که به خاطر بی حیایی شان رانده شده اند، مطلب نخوانده ای؟	کاربردن واژه بی- حیایی به جای هرزگی
أبی... لعنة الله علیه (۶۱۸)	واژه قبیح (ناسزا)	پدرم... که خدا ازش نگذره	کاهش اثر: نگذشتن به جای لعنت کردن
- قالت أمی لی مرة: إن الفتاة التي تشبه بالعشاق كما يظهرون فی السينما، فتاة ساقطة خائبة الأمل (۶۲۶)	روابط آزاد دختر و پسر	مادرم یک بار به من گفت: دختری که همچون عاشقان در سینما دیده می شود، دختری بی حیا و ناکام است.	کاهش اثر: به کاربردن صفت بی- حیا به جای «هرزه»
ولكن دون أن تخمد لهذا رغبة جسدها الذي يسميتها "الهوان". (۷۴۴)	روابط جنسی	ولی بی آنکه به خاطر این، خواسته تنش را با نام «بی عفتی» فرونشاند.	کاهش اثر: بی عفتی به جای واژه هوی و هوس.

برجسته سازی تأثیرهای موقعیتی و جلب توجه مخاطب از افزایش

استفاده می کند. (Herro Ruiz, 2008: 794)

در راهکار افزایش، مترجم از ترجمه مستقیم زبان ممنوعه مبدأ دوری می کند، ولی تلاش می کند این ممنوعه را در قالب و به شکلی دیگر بیان کند؛ به عبارت دیگر، مترجم برخی از عناصر جمله های خنثی و به دور از هرگونه بار معنایی منفی را به شکل زبان ممنوعه ترجمه می کند. یعنی: مترجم نمود زبان تابو یا غیرتابو را که در زبان مبدأ اثر اندکی دارد به معادل نمود زبان تابو یا معادلی با اثر بیشتر برمی گرداند. برای نمونه واژه «خرفت» به-جای «احمق».

۲-۳-۵. افزایش اثر زبان ممنوعه در زبان فارسی یا ترجمه غیرزبان ممنوعه به زبان ممنوعه

افزایش (مبالغه) اثر زبان ممنوعه نقطه مقابل کاهش است؛ «در این شیوه افراط بیش از حد در بیان واقعیت یا آنچه که واقعا می تواند امکان داشته باشد، رخ می دهد». (Warren, 1992: 134) فرایند افزایش را می توان عملکردی ذهنی دانست که سبب تقویت بار معنایی از راه گفتار زبانی می گردد. در اضافه، گوینده به عمد برای

شاهد مثال	گونه ممنوعیت زبانی	ترجمه زیباشناسی کلامی	توضیحات
فتبا للمعطف الذی یخفی قسمت هذا الجسم و ثنایه (۶۲۵)	اندام جنسی	مرده شور این پالتو را ببرن که خطوط و برجستگی های این تن را نشان نمی دهد.	افزایش: به کاربردن اصطلاح عامیانه مرده شور بردن به جای عبارت نفرین لعنت بر..
أهی التي قالت لك هذا؟! القصيرة الماكرة، أفسدت حياتنا. (۶۲۷)	واژه های قبیح	آیا او این حرفها را به تو زد؟! کوتوله مکار، زندگی مان را به گند کشید.	افزایش اثر: به کاربردن صفت کوتوله به جای کوتاه قد

افزایش اثر ترجمه: شیره مالیدن به جای فریب دادن	هر چه می دانی بگو، بس است این قدر سرم را شیره مالیدی	عادات زشت و بد اجتماعی	هات ما عندک و کفاک خداعا (۶۴۵)
فعل خفه شدن به- جای فعل امر ساکت، میزان عصبانیت مادر را بیشتر نشان می دهد.	مادرش محکم او را از پیش خود راند و گفت: خفه شو	واژه های قبیح	فانتهرتها أمها بحدۀ قائله: اخرسی (۶۱۶)
افزایش اثر: کفه مرگ گذاشتن به جای مردن به نشان اهانت	-تا کی صبر کنیم؟ مات و مبهوت ماند، سپس آرام گفت: -تا (پدرم) کفه مرگش را زمین بگذارد.	واژه های قبیح	-و الام نصبر؟ فتردد فی حیره ثم متمم؛ -حتی يموت! (۶۱۸)
افزایش اثر: خرفت به جای احمق	پیرمرد <u>خرفت</u> یکدنده	واژه های قبیح	رجل عجوز احمق عنید (۶۱۸)
افزایش اثر: به کاربردن عبارت لب های برجسته به- جای لب های درشت، میزان ممنوعه بودن این صفت را نمایان تر می کند	و با لب های برجسته و چشمان درشت و سیاه پر آوازه بود.	اندام جنسی	و اشتهرت بشفتین غلیظتین و عینین دعجاوین (۶۷۱)
افزایش اثر: فعل گم شو به جای دور شو.	و عروس فریاد زد: ای خلاف، بی ادب،... قبل از اینکه به خدمه ها بگویم بیرون کنند، از جلوی چشمانم گم شو برو.	واژه های قبیح	و صاحت: یا مجرمه، یاقليله الأدب، أغربی عن وجهی قبل أن أدعو الخدم لیرموک خارجا.. (۶۵۵)

در پاسخ به پرسش نخست: به جز راهکار حذف، دیگر
راهکارهای زیباسازی کلامی، مقصود ممنوعیت های زبانی را در
بافت معنایی رمان تغییر نمی دهد.

نتیجه گیری

و در پاسخ به پرسش دوم: در بررسی انجام گرفته درباره ممنوعه های زبان در رمان «بدایه و نهاییه» با دو ویژگی مهم درباره زبان ممنوعه، روبرو بوده‌ایم:

- گونه‌ها و نمودهای زبان ممنوعه در ترجمه این رمان: بسامد گونه روابط جنسی در بالاترین میزان و سپس گونه اندام تناسلی پس از آن قرار دارد؛ واژه‌های قبیح و مشروبات و مواد مخدر

ترجمه است. و سرانجام راهکار حذف به تعداد ۹ مورد و میزان 4% پایین‌ترین بسامد را به خود اختصاص داده است.

جدول ۴-۶- بسامد و درصد گونه‌های زبان ممنوعه در رمان «بدایه و نهاییه»

گونه زبان ممنوعه	روابط جنسی (بوسیدن، هم‌بستری و هم آغوشی)	اندام تناسلی	واژه‌های قبیح (فحش و ناسزا)	مشروبات الکلی و مواد مخدر	روابط آزاد دختر و پسر	عادات زشت و بد اجتماعی	باورهای دینی و اعتقادی متضاد
بسامد	۹۸	۳۲	۲۷	۲۶	۱۳	۵	۳

تقریباً به یک میزان، بسامد یکسانی داشته‌اند. و گونه‌های ممنوعه روابط آزاد دختر و پسر و عادات زشت و بد و سرانجام باورهای دینی و اعتقادی متضاد با فرهنگ جامعه کمترین نمودها را داشته‌اند.

در روش‌ها و راهبردهای به کار گرفته شده به منظور زیباسازی کلام در متن ترجمه: استفاده از راهکار جانشینی به تعداد ۶۷ مورد و میزان 33%، سپس راهکار حفظ با تعداد ۶۵ مورد و میزان 32% بالاترین بسامد را داشته است. راهکار کاهش اثر، حدود ۴۳ مورد و 21% در حد میانه بوده و راهکار افزایش اثر زبان ممنوعه تعداد ۲۰ مورد (10%) نشان از میزان کاربرد اندک آن در

جدول ۴-۷- بسامد و درصد راهکارهای زیباشناسی کلامی در رمان «بدایه و نهاییه»

راهکارهای زیباشناسی کلامی	جانشینی	حفظ	کاهش اثر	افزایش اثر	حذف	جمع کل
بسامد	۶۷	۶۵	۴۳	۲۰	۹	۲۰۴
درصد	٪۳۳	٪۳۲	٪۲۱	٪۱۰	٪۴	٪۱۰۰

-بلوری، مزدک. (۱۳۹۶). «بومی‌سازی در ادبیات آمریکایی ترجمه‌شده: راهبردی برای مقاومت در برابر الگوسازی فرهنگی خارجی». مجله زبان و زبان‌شناسی. دوره ۱۳. شماره ۲۵. صص ۶۶-۵۱.

-ترادگیل، پیتر. (۱۳۷۶). *زبان‌شناسی اجتماعی، درآمدی بر زبان و جامعه*. ترجمه محمد طباطبائی. چاپ اول. تهران: آگه.

الجرجانی، حسین بن حسن. (۱۳۷۸). *جلاء الازدهان و جلاء الحزان*. تصحیح و تعلیق محدث. جلال الدین. جلد ۱. چاپ اول. تهران: دانشگاه تهران.

فهرست منابع

-انوشه، حسن و دیگران. (۱۳۸۱). *فرهنگنامه ادب فارسی، اصطلاحات و مضامین و موضوعات ادب فارسی*. جلد دوم. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

-بدخشان، ابراهیم و موسوی، سجاد (۱۳۹۳). «بررسی زبان‌شناختی به‌گویی در زبان فارسی». فصلنامه جستارهای زبانی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس. دوره ۵. شماره ۱. (پیاپی ۱۷). صص ۱-۲۶.

- حقانی، نادر. (۱۳۸۶). *نظرها و نظریه های ترجمه*. چاپ اول. تهران: موسسه انتشاراتی امیر کبیر.
- داد، سیما (۱۳۷۸). *فرهنگ اصطلاحات ادبی (واژه نامه، مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی / اروپایی)*. تهران: انتشارات مروارید.
- الزركشي، بدرالدین. (۱۹۸۸). *البرهان فی علوم القرآن*. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. ط ۲. بیروت: دارالمیل.
- شریفی، شهلا و الهام دارچینیان. (۱۳۸۸). «بررسی نمود زبانی تابو در ترجمه به فارسی و پیامدهای آن». *زبان‌شناسی و گویشهای خراسان*. دوره ۱. شماره ۱. صص ۱۲۷-۱۴۹.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۸). «مبانی نظری تحلیل گفتمان رویکرد نشانه -معناشناختی». *پژوهشنامه فرهنگستان هنر*. شماره ۱۲. صص ۵۵-۷۲.
- صابونچی، مهتاب. (۱۳۹۴). «اهمیت شناخت فرهنگ در ترجمه با استناد بر چند نمونه». *پژوهشهای زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*. دوره ۵. شماره ۲. صص ۳۳۳-۳۵۱.
- عرب یوسف‌آبادی، عبدالباسط؛ افضل، فرشته. (۱۳۹۸). «رویکردی زبان شناختی پیرامون شبکه شعاعی در شبکه ممنوعیت‌های زبانی رمان التسهی». *مجله علم زبان*. سال ۶. شماره ۹. صص ۲۷۷-۳۰۴.
- فروید، زیگموند. (۱۳۸۷). *توتم و تابو*. چاپ پنجم. تهران: آسیا.
- موسوی، سجاد؛ بدخشان، ابراهیم. (۱۳۹۵). «بررسی حسن تعبیر در زبان فارسی رویکردی گفتمانی». *نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. سال ۶. شماره ۱۲. صص ۵۵-۶۷.
- نیازی، شهریار؛ قاسمی اصل، زینب. (۱۳۹۷). *الگوهای ارزیابی ترجمه (با تکیه بر زبان عربی) ویژه دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترای مطالعات ترجمه عربی*. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- وارداف، رونالد. (۲۰۰۶). *درآمدی بر جامعه شناسی زبان*. ترجمه رضا امینی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ولی‌پور، علیرضا؛ شریفی، شلیب ابراهیم. (۱۳۹۸). «بررسی تداخل زبانی - فرهنگی در کاربرد پایدارهای مقایسه‌ای». *پژوهشهای*
- زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی. دوره ۹. شماره ۱. صص ۲۵۵-۲۶۷.
- البياده، میرچاو. (۱۳۷۲). *رساله در تاریخ ادیان*. ترجمه جلال ستاری. چاپ اول. تهران: سرو.
- Allan, K. & K Burridge (1991), *Euphemism and Dysphemism : Language Used as Shield and Weapon*. New York: Oxford University Press. Crown Publishers, Inc.
- Herro Ruiz, J (2008). *Overstatement & Cognitive Operations*. In: 25 Anos de.
- Khoshsaligheh, M., Ameri, S. & Mehdizadkhani M. (2018). A socio-cultural study of taboo rendition in Persian fansubbing: An issue of resistance. *Language and Intercultural communication*, 18 (6), 80-663. London and New York: Routledge. Venuti, L (1995). *The Translator's Invisibility: a History of Translation*.
- Warren B. (1992), What Euphemisms Tell Us *Abo Studia Linguistica*. 46(2). 128-172.